

Doi: [10.22034/ACLR.2023.1987306.1060](https://doi.org/10.22034/ACLR.2023.1987306.1060)

دو فصل‌نامه علمی پژوهش‌نامه فرهنگ و زبان‌های باستانی  
سال سوم، شماره اول، بهار و تابستان ۱۴۰۱، صص ۲۱۷-۲۳۴  
مقاله علمی-پژوهشی

## تشکیلات و مراتب دین‌مردان زردشتی در سنت روزگار اسلامی بر اساس پرسش دوم روایت فرنیغ سروش

حمیدرضا دالوند\*

### چکیده

با فروپاشی پادشاهی ساسانی کیش زردشتی نیز همچون دیگر بخش‌های جامعه دستخوش تغییر و تحولات عمیق شد. جمعیت به‌دینان کاهش یافت و جامعه زردشتی کوچک شد. نهاد دین تضعیف گردید و تشکیلات دینی فروپاشید. متناسب با این تغییرات، سازمان روحانیت نیز تغییر کرد و مقامات و مراتب دینی با ادغام وظایف، تشکیلات چابک‌تری پدید آوردند. تشکیلات دینی جدید هرچند کلیت سازمان روزگار ساسانی را حفظ کرد و مفاهیم و اصطلاحات کهن را زنده نگه داشت، اما دچار تغییرات چشمگیری شد. تا سده چهارم یزدگردی/ یازدهم میلادی به تدریج این دوران گذار طی شد. گزارش کوتاهی که در پرسش دوم روایت فرنیغ سروش آمده است، مدیریت سازمان و تشکیلات دینی

---

\* - استادیار گروه فرهنگ و زبان‌های باستانی پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی، تهران- ایران  
zurvandad@yahoo.de

تاریخ دریافت: ۱۴۰۱/۹/۲۲ تاریخ پذیرش: ۱۴۰۱/۱۲/۳



جامعه زردشتی ایران را نشان می‌دهد و مقاله پیش رو به شرح و تفسیر آن پرسش می‌پردازد.

**کلیدواژگان:** سنت زردشتی؛ تشکیلات دینی؛ مراتب موبدی

## ۱-مقدمه

روحانیان به عنوان مدیران و متولیان تشکیلات دینی از کهن‌ترین زمان‌ها، حتی پیش از پیدایش زردشت، همواره از اقتدار ویژه‌ای برخوردار بوده‌اند و در کنار نهادهای سیاسی و اداری حاکم، رهبری نهادهای دینی صاحب نفوذی را بر عهده داشته‌اند و به شیوه خود بخشی از قدرت را در لایه‌های مختلف جامعه توزیع می‌کرده‌اند. آنها کم و بیش، این تشکیلات را مستقل از تشکیلات سیاسی حاکم نگاه می‌داشتند و اداره می‌کردند. به همین سبب، علی‌رغم فراز و فرودهای تاریخی و برآمدن و فروافتادن پادشاهی‌های گوناگون، هرگز تشکیلات موبدی از میان نرفت. شاید با رشد پادشاهی‌های همسو تشکیلات آنها نیز گسترده می‌شد، چنان‌که در روزگار ساسانی دیده می‌شود ولی این بدان معنی نبود که این دو یکی بودند.

در سنت زردشتی روزگار اسلامی، تشکیلات دینی دوره گذر از گستردگی به فشردگی و کوچک شدن را سپری می‌کند، درست در برابر نیمه نخست ساسانی که دوره توسعه و گسترش را طی کرد. از ویژگی‌های روزگار گذار و تحول، ناپایداری عناصر و تغییرات تند و در نتیجه ابهام در محتوای مفاهیم و اصطلاحات است. از اینرو هرگز نمی‌توان برای واژه‌ها و اصطلاحات و القاب و عناوین تشکیلاتی مشخص، مفهومی یکسان در همه دوره‌ها در نظر گرفت. مخ، موبد، آثرون، هیربد، دستور، رد و... اگرچه در متن‌های مختلف تکرار شده‌اند ولی این بدان معنی نیست که در همه جا معنای یکسانی دارند. گذشته از بار معنایی متفاوت، بسامد آنان در زمان‌های مختلف است که در هر زمان یک یا چند اصطلاح کاربرد بیشتری دارد. بنابراین، سخن درباره تشکیلات موبدی و دینی زردشتی تنها زمانی می‌تواند درست و دقیق باشد که معطوف به زمان باشد.

## ۱-۱- پیشینه تحقیق

از جمله مفاهیم مهم در سنت زردشتی موضوع ساختار تشکیلات دینی و مراتب و درجات روحانیان و چگونگی پیوند و رابطه میان سلسله مراتب یاد شده در سنت روزگار اسلامی است. کم و بیش این موضوع در آثار مختلف مورد توجه بوده است: نوشته‌های شومان (Chaumont 1960:50-80)، فیلیپ ژینیو (Gignoux, 1983: 253-266)، کرینبروک (Kreyenbroek, 1987a, 1987b) و برخی مقالات دانشنامه ایرانیکا در زیر مدخل‌های: دستور (Shaki, 1994: 111-112)، هیربد (Kreyenbroek, 2003:226)، داور (Shaki, 1993: 557-559) و...، مهمترین آثار در این زمینه هستند ولی مقاله مفصل کرینبروک (1987a) اهمیت ویژه دارد.

## ۲- بحث و بررسی

### ۲-۱- روایت فرنبغ سروش

در روایت فرنبغ سروش، به ویژه در پاسخ به موبد نیشابور، پرتوی بر ساختار تشکیلات دینی جامعه زردشتی سده چهارم هجری / یزدگردی افکنده می‌شود (The Pahlavi Rivāyat of ĀthurFarnbag and FarnbagSrōš, 1969: 84-85). در پرسش ۲، موبد نیشابور درباره مدت زمان بقا برگماردگان پیشوای پیشین می‌پرسد و فرنبغ سروش نیز پاسخ می‌دهد. آنچه در این پرسش و پاسخ روشن می‌شود، چگونگی گماردن و فرایند تحول و تغییر در ساختار است. این قطعه با طرح مسائل مهم جامعه زردشتی سده چهارم، از دیگر وجوه پراهمیت روایت کوتاه فرنبغ سروش است. برای درک بهتر موضوع باید با نگاهی دقیق‌تر بدان نگریست.

Pwrsšn':pursišn

1- ZNE AYK AMT hwdyn'npyšwp'd HNA mgwgmlt' HNA l'd mgwptyh Y štr' HNA YHBWNyt' PWN psnd W hm-DYNAyh Y wyhdyn'-n AHL MN ZK PWN 'ycndltyh Y kwstk' HNA YHBWNyt' W gwm'lt Y sc'k PWN 'ywyn' YKTYBWNyt W ŠPYL'n Y ZK kwstk' pr'c' MKBLWNty W QDM BRA YKOYMWNdAPš PWN lt' mgwpt'

YHSNNd W BYN 'wbšplm'nbwlt'l YHWWNd W ZK lt' PWN KRA štr'  
 'pst'ngwm'lt AHL ZK hwdyn'npyšwp'd wtyl'n' YHWWNyt' AĀšlwb'n' KN  
 p'hlwm'hw'n YHMTWNYt AĀš HNA YMRRWNYt AYK hwdyn'  
 'npyšwp'd \*wtrlt' ZNE lt'n KON lt' mgwpt' LOYT' KRA MNW OLE'  
 l'dmgwpt' KLYTWNYt OD nwkgwm'lt' HNA MN nwk  
 hwdyn'npyšwp'd HNA LA YHWWNyt' AĀšwn's Y gl'n YHWWNyt'  
 ŠNT' dlhn'd QDM ZK gwššn' BRA YKOYMWNYt' ZNE AYK ZK  
 gwššn' 'ywp' dl'dšn' AĀšwn's W pwhlp'tpl's ME W ŠPYL LWTEš  
 \*hm'y' cygwn 'p'yt krtn.

Ēn kū ka hu-dēnānpēšōpāy ē mowmard ē rāy mowbedih ī šahr ē dahēd pad  
 passand ud hamdādistānīh ī wehdēnān pas az ān pad ē(w)-čand radīh ī  
 kustag ē dahēd ud gumārd ī sazāg pad ēw ēn nibēsēd ud wehān ī ān kustag  
 frāzpadirīft ud abar be estēnd u-š pad rad mowbed dārēnd ud andar awiš  
 framānburdār bawēnd ud ān rad pad har šahr abestān gumārd pas ān  
 hudēnānpēšōpāy widerānbawēd u-š ruwān ōh pahlom axwān rasēd u-š ēd  
 gōwēd kū hu-dēnānpēšōpāy widardēn radān nūn rad mowbed nēst har kē ōy  
 rāy mowbed xwānēd tā nōg gumārdēd az nōg hudēnānpēšōpāy ēd nē bawēd  
 u-š wināh ī garān bawēd sāl drahnāy abar ān gōwišn be estēd. Ēn kū ān  
 gōwišn ayāb drāyišn? u-š wināh ud puhl pādīfrāh čē? Ud weh abāg-iš hamē  
 čiyōn abāyēd kardan?

pshw': passoxxw

2- k'ls 'd'tyh' srd'l BRA LA ŠBKWNšn' W HT 'd'tyh'srd'lŠBKWNYt  
 KRA ywdtlyh W zyd'n' W wznd Y BYNšSGYTWNYt' ADYNšwn's KN  
 bwn W MNW ZK dl'dšn' OBYDWNyt' ŠPYL'n' MN l's Y l'st' LAWHL  
 YHSNNyt' gl'n' wn'syh' W ptš twešn'wmnd W MNW LWTEš hmgwbšn'  
 W hmhdyb'l YHWWNyt' LWTEš hmwn's W hmd't' AMT' nkylšn'  
 YKOYMWNYt' gl'n' wn'stl.

kār-iš a-dādīhā sālār benēhilišn ud agar a-dādīhā sālār hilēd har judtarīh ud  
 zyān ud wizend ī andar-iš rawēd ēg-iš wināh ōh bun ud kē ān drāyišn kunēd  
 wehān az rāh ī rāst abāz dārēd garān wināhīhā ud padiš tōzišnōmand ud kē

۱. در اصل: wtrlt'.

۲. در اصل: hmy'.

abāg-iš hamgōwišn ud hamayār bawēd abāg-iš hamwināh ud hamdād ka nigerišn estēd garān wināhtar.

پرسش

۱. این که: اگر پیشوایی از بهدینان موبدی را موبدی شهری دهد با پسند و مشورت بهدینان؛ پس از آن، به یک چندی، رد موبد کی ناحیه‌ای را بدو دهد و گمارد، <و آن گونه> که سزاست، به آیین نویسد<sup>۱</sup> و بهدینان آن ناحیه فراز پذیرفته و بر <آن حکم> بایستند و او را به رد موبدی دارند و به فرمانش باشند. و آن رد به هر شهر معتمد گمارد. پس آن پیشوای بهدینان درگذرد و روانش به بهشت برین رسد. و این <حکم> که گوید: «<چون> پیشوای بهدینان درگذشت، این ردان <که او گمارده است> اکنون رد موبد نیست، هر کس <فقط> او را تا <پیشوای> نو گمارده شود، موبد خواند و از <انتخاب> پیشوای جدید بهدینان <دیگر او رد موبد> نباشد. و او را گناه گران باشد، اگر به درازای یک سال بر سر آن گفتار و قول <قبلی> بایستد». <پرسش> این که آن گفتار <درست است> یا کلام اهریمنی؟ گناه و کفاره و تاوان آن چیست؟ <رفتار> مناسب<sup>۲</sup> با او همی چگونه باید کردن؟<sup>۳</sup>

پاسخ

۲. کارش غیرقانونی است. سالار <قبلی> را <در مقام خود> نه بهشتن! و اگر غیرقانونی سالار <قبلی> را در جایگاه خود <هدل>، هر جداسری و زیان و گزند از او سرزند، آنگاه گناهی است چنین بنیادی. و هر که آن هرزه‌درایی<sup>۴</sup> کند، بهدینان را از راه راست بازدارد، گناهی است گران و نسبت بدان مستوجب تاوان و هر کسی که با وی هم کلام و همیار باشد، با او هم گناه و هم

۱. بنابر شیوه رایج حکم انتصاب صادر کند.

۲. انکلساریا این جمله پایانی را ترجمه نکرده است. ابهام در دو واژه است، یکی weh که دو معنی: «بهدین» و «خوب و مناسب» را دارد و دیگری مرجع ضمیر متصل Š که می‌تواند به حکم مورد اشاره در پرسش یعنی حکم ابطال انتصاب ردموبدان قبلی؛ و یا شخص منتصب شده، چنان که از پاسخ بر می‌آید؛ دلالت داشته باشد. به اعتبار معنی «بهدین» برای weh می‌توان جمله را چنین نیز ترجمه کرد: بهدینان با او همی چگونه <رفتار> باید کردن؟

۳. این پرسش به ویژه حکم مورد استناد در آن، در بر دارنده اشارات ارزشمندی در باره تشکیلات موبدی و شیوه

مدیریت جامعه زردشتی است. نک. مقدمه.

۴. سخن لغو و بیهوده، کلام اهریمنی، هرسخن که بنابر دستورات دینی نباشد.

قانون است. اگر به نگرش ایستدا، گناهِش سنگین‌تر.

چگونگی تشکیلات موبدی و نهادهای دینی بنابر متن بالا به ویژه تغییر گماردگان دستوران پیشوای درگذشته که به نوعی می‌تواند در فقه زردشتی تأکیدی بر عدم بقا بر میت، تلقی شود، موضوعی است که در ادامه بدان پرداخته می‌شود.

## ۲-۲- جایگاه دین‌مردان

جامعه نخبگان دینی همواره اقلیتی با نفوذ، صاحب امتیاز و متفاوت از جامعه به‌دنیان بوده‌اند. بنا بر بندهشن، آنها به لحاظ شجره‌نامه خانوادگی، نیای مشترک دارند و از فرزندان منوچهر هستند (بندهشن، ۱۳۶۹: ۱۵۳-۱۵۴). وظایف دینی گسترده‌تری بر عهده دارند. کسب دانش دینی و تقوی و پرهیزگاری از مهم‌ترین ویژگی هر روحانی زردشتی است که در متون مختلف چون *گزیده‌های زادسپرم* و روایات متأخر به فارسی، بدان سفارش شده است (نک. *گزیده‌های زادسپرم*، ۱۳۶۶: ۳۸-۳۹؛ نامدار و رستم، ۱۲۶۲: ۲-۳؛ داراب، ۱۹۲۲: ۱/۴۸۵-۴۹۳). به همین اندازه نیز، محدودیت‌ها، مسئولیت‌های اجتماعی و مذهبی و سیاسی آنها سنگین‌تر بوده و می‌باشد. از این محدودیت‌ها فراوان در فقه زردشتی دیده می‌شود: از باید و نبایدهای زندگی دین‌مردان و حتی ناپاکی تن آنان بعد از مرگ به سبب قدرت فراوان دیو نسوی حلول کرده در جنازه دین‌مردان و... گرفته تا جان باختن آنان بخاطر حفظ جامعه زردشتی، نمونه‌هایی از این محدودیت‌ها و مسئولیت‌های سنگین است.

## ۲-۳- مراتب دین‌مردان

مراتب دین‌مردان جامعه زردشتی، باز بنا بر زمان، شکل و صورت‌های متفاوتی دارد ولی بطور کلی می‌توان گفت علی‌رغم تفاوت در اصطلاحات و مفاهیم، مراتب به سه رده پایین، میانه و بالا قابل تقسیم است. در رده پایین نوآموزان دینی قرار دارند که فرزندان

---

۱. اگر به عنوان باور و آموزه این عمل را قبول کند.

جوان خانواده‌های روحانی هستند و در حلقه‌های روحانی خانوادگی زیر نظر آموزگاران دینی که اغلب پدر، برادر بزرگتر، عمو و دیگر نزدیکان وی در مراتب میانی جامعه دینی هستند، آموزش‌های دینی لازم را فرا می‌گیرند. بنابر سنت زردشتی، آنان را *hāwišt* می‌گویند. پرسش و پاسخ چهل و چهارم متن *د/دستان دینی* (۱۳۹۷: ۱۲۵-۱۲۷) به روشنی ویژگی‌ها و وظایف هاوشتان یا طلاب نوآموز زردشتی را توصیف کرده است و رابطه آنان را با آموزگاران خود یعنی هیربدان که در رده میانه جای دارند، شرح داده است (نک. ۱۹۸۷ا: ۱۵۸; ۱۹۸۷ب: ۲۰۱). هاوشت‌ها دانش آموز دانش دینی هستند و هیربدان به آنها می‌آموزند. هیربدان خود هاوشتانی بوده‌اند که با آموزش از آموزگاران به هیربدی رسیده‌اند. هیربد بر زند آگاهی دارد و هاوشت بر *اوستا* آشناست. هاوشتان نیزنگ یزشن، پادبایی و پاکی و ریمنی و گناه را به درستی شناختن و مهارت قرائت *اوستا* را دارند. بنابراین هاوشت نوآموزی است که *اوستا* را می‌خواند و امور فقهی و عبادی را فرا می‌گیرد.

در مرتبه میانه هیربدان، در دوره‌های قدیم‌تر موبدان، قرار دارند که بنابر شرح پرسش ۴۴ *د/دستان دینی* (۱۳۹۷: ۱۲۵-۱۲۷)، افزون بر انجام امور شرعی و فقهی و آموزگاری هاوشتان، به زند و تفسیرهای متون مقدس آگاه هستند. پهلوی را می‌توانند بخوانند و به متون زند دسترسی دارند. مقالات شومان (۱۹۶۰: ۵۰-۸۰) و کرینبروک (۱۹۸۷ا: ۱۵۱-۱۶۶) تحولات وظایف و تعاریف هیربد در متون باستان به میانه و نو را بررسی کرده‌اند. هیربدان و روحانیان میانی سنت زردشتی طیف گسترده‌ای از وظایف را بر عهده دارند که در سه گروه، عبادی، تطهیر و حفظ و انتقال میراث کهن قابل طبقه‌بندی است.

بر اساس این سه گروه از وظایف، روحانیان میانی، هیربدان و موبدان را، در سه مرتبه تخصصی تحت عنوان: یزشنگران، یوژدائرگران و آموزگاران و کاتبان متون دینی می‌توان سازمان‌دهی کرد. در سنت متأخر که روحانیت میانی تحت عنوان کلی هیربد یاد می‌شود، هر سه تخصص را یک نفر می‌تواند داشته باشد و مانعی برای حضور یک فرد در

بیش از یک حوزه تخصصی نیست. روحانیان یا موبدان و هیربدان یزشنگر در نقش دو شخصیت آیینی یعنی زوت و راسپی وظایف خود را اجرا می‌کنند. روحانیان گروه میانی بنابر متون متأخر، پنج تا پانزده ویژگی را باید داشته باشند (نک. داراب، ۱۹۲۲: ۱/ ۴۸۵-۴۸۸). در متنی کوتاه به زبان پهلوی (گزیده‌های زادسپرم، ۱۳۶۶: ۲۷-۲۸؛ متون پهلوی، ۱۳۷۱: ۱۶)، پنج خوی آسرونان به ترتیب: ۱- بی‌گناهی (معصومیت و عصمت) ۲- قدرت گزینش میان اندیشه‌ها، گفتارها و کردارهای (تشخیص و بصیرت خوب و بد دینی) ۳- دستورداری یا فراگیری آموزش‌های پیشوایان دین ۴- یزشن و انجام انواع آن چون ستایش اورمزد، یزشن روشنان، یزش چهار عنصر، یزشن مردم، گوسفند و گیاه و... ۵- ستیز شبانه‌روز با دروج خود و خستو بودن به دین در سراسر عمر. این فهرست پنج‌گانه، در متون متأخر عصر روایات، به خیم، خرد، آشتی، پیمان و ویژه بودن بر دین بهی خلاصه شده‌اند (داراب، ۱۹۲۲: ۱/ ۴۸۶-۴۸۷). در کنار فهرست پنج‌گانه، فهرست پانزده‌گانه متأخر وجود دارد که ویژگی یزشنگران و یوژدائرگران را یاد می‌کند: ۱- اویژه خیم یعنی پاک نیت و نیک خصلت بودن. ۲- آسن خرد یا خرد ذاتی که به مهر خداوند بر مردمان عطا شود. ۳- دین آراستار. ۴- یزدان اندیش، همیشه به راه یزدان اندیشمند بودن. ۵- مینو بینش. ۶- پاک منش و پاک اندیش. ۷- راست گفتار. ۸- خردی کنش و دارای کردار خردمندانه. ۹- پاک تن و مطهر. ۱۰- شیرین زبان. ۱۱- ازبردارندهٔ نسک‌های زند. ۱۲- دارای قرائت درست /وستا. ۱۳- پادیاب ساز و پاک و پاکیزه بودن. ۱۴- خوب نیرنگ یعنی قاعدهٔ آب و برسّم و یزشن را به خوبی دانستن. ۱۵- همواره واج خوان (نامدار و رستم، ۱۲۶۲: ۲-۳؛ این متن در روایات کامه بهره، جاسا و نریمان هوشنگ هم آمده است. نک. داراب، ۱۹۲۲: ۱/ ۴۸۵-۴۸۶).

بنابراین ویژگی‌ها، دین‌مردانی که در مراتب میانی قرار دارند، به سبب مسئولیت اجرای مراسم و تعهد اجرای عبادات و امور تطهیر دیگران، لازم است که هم مهارت‌های دینی و هم مکارم اخلاقی و فردی ویژه‌ای داشته باشند.



طبقه عالی روحانیت زردشتی که البته بر آمده از همین طبقه میانی است، سه مسئولیت عمده بر عهده دارد: نخست، تفسیر متون دینی و اجتهاد. دو دیگر، مدیریت و نظارت بر امور درونی جامعه به ویژه اعمال روحانیان رده‌میانی؛ و سه دیگر، تعامل با نیروها و نهادهای قدرت بیرون از تشکیلات مذهبی و تنظیم مناسبات جامعه زردشتی با آنها. به سخن دیگر، مدیریت کلان، پاسخگویی به چالش‌ها، سیاستگذاری و برنامه‌ریزی یا رهبری جامعه بر عهده آنان است. در این طبقه، عنوان‌های متفاوتی در زمان‌های مختلف استفاده شده است: موبدان موبد، هیربدان هیربد، دستور، رد، دستوران دستور، دستور زمان، پیشوای بهدنیان و... از این جمله هستند. در روایت نریمان هوشنگ آمده است: «چو دستور داری نباشی به رنج/ که دستور دانا به از تاج و گنج (داراب، ۱۹۲۲: ۴۸۸/۱). در هشتم از صد در نثر، بر لزوم فرمانبرداری بهدینان از دستور تأکید دارد (صد در نثر صد در بندهش، ۱۹۰۹: ۸؛ قس داراب، ۱۹۲۲: ۴۸۹-۴۹۱) منصورشکی در دانشنامه *ایرانیکا* ذیل مدخل «دستور» به این موضوع پرداخته است (Shaki 1994: 7/ 111-112). در متون متأخر تفاوت میان هیربدان، موبدان و دستوران چنین وصف شده است: «هیربد آن باشد که *اوستا* داند و خود نابر شده باشد. آن را هیربد گویند و موبد آن باشد که زند *اوستا* هرگز از زبان او دور نشود و کاریزشن می‌کند و دستور آن باشد که *اوستا* و زند داند، یعنی معنی *اوستا* داند که چه می‌گفت دادار اورمزد به اشو زردشت و دیگر معنی پهلوی داند و بر حکم او کار دین کردن واجبست» (داراب، ۱۹۲۲: ۴۸۸/۱). در *دینکرد پنجم* (۱۳۸۶: ۴۶) خوار شمردن دین و نداشتن دستور به «بددینی» و سرپیچی از سروران و سالاران به «انیری و بیگانگی» تعبیر شده است.

ابوریحان بیرونی در *آثارالباقیه* (۱۳۶۳: ۳۰۱) نوشته است: «زردشتیان جز به کسی که به ایمان و دین او مطمئن باشند، اجازه نمی‌دهند که کتاب *اوستا* را بخواند و شخصی که در مذهب زردشت عالم به *اوستا* شود، باید علمای دین کاغذی بنویسند و به دست او بدهند که چنین اجازه‌ای بدو داده شده که اگر کسی بر او ایراد کرد، کاغذ را به جهت احتجاج ارائه دهد». در بند ۱۷ مقدمه *دستان دینی* (1998: 34) آمده که منوچهر از

دبیری کمک گرفته و دستور داده تا پرسش‌ها فصل‌بندی شوند و کتاب به صورت موضوعی تدوین شود. همچنین، در اواخر سدهٔ دهم یزدگردی، دستور نوشیروان مرزبان کرمانی چندین کاتب و شاگرد در اختیار داشت که وی را کمک می‌کردند (داراب، ۱۹۲۲: ۱۹۹/۲). این موارد نشان می‌دهد که در تشکیلات رده‌های بالای روحانیان زردشتی چه می‌گذشته است.

آنچه تا بدین جا اشاره شد، مراتب دینی و مراحل است که روحانی می‌توانست طی کند. اما آنچه اهمیت دارد، مناصبی است که هر فرد بنابر مرتبه خود و عوامل دیگری چون نزدیکی به روحانیان رده بالا، شایستگی‌های فردی و البته اجماع عمومی جامعه بهدنیان، می‌توانست بدست آورد. در جامعه زردشتی با درجات مختلفی از مناصب دینی و اجتماعی روبرو هستیم که بی‌گمان در زمان‌های مختلف متفاوت بوده است.

#### ۲-۴- مناصب دین مردان

هرچند به یقین نمی‌توان فهرستی از مناصب روحانی برای همه دوره‌ها تهیه کرد و یا فهرست یک دوره را بر همه دوره‌ها تعمیم داد، حتی به درستی و دقت فهرست مفصلی از مناصب روحانی جامعه زردشتی در هیچ زمانی در دست نیست. اما، آنچه از گزارش پراکنده متون بدست می‌آید، روحانیان زردشتی بنابر مراتب علمی و دینی، در امور سیاسی اجتماعی و قضایی نقش داشتند و مناصبی را می‌پذیرفتند. بی‌گمان این مناصب در روزگار پیش از اسلام به ویژه دوره ساسانی که دیانت زردشتی در اوج اقتدار بود، با روزگار دوران اسلامی تفاوت داشت. در دوره نخست به علت گستردگی نهادهای دینی شغل‌ها و منصب‌های میانی و پایین دست بسیار بیشتر از دوره اسلامی بود. اما حوزه اقتدار و اختیار منصب‌های رسمی عالی چون موبدان موبد و زرتشتروتوم و ...، در پیوند با اقتدار شهریاری و دیگر تشکیلات سیاسی غیر دینی تعریف می‌شد. در حالی که در دورهٔ اسلامی، مناصب عالی جامعه زردشتی به سبب فرو افتادن اقتدار سیاسی پادشاهی ساسانی، اختیار و اقتدار بیشتری پیدا کرد و نه تنها امور مذهبی که حوزه سیاست را هم در بر می‌گرفت. بنابراین در دورهٔ اسلامی مناصب روحانیان زردشتی،

خلاصه‌تر گردید ولی در رأس هرم مقتدرتر شد.

در بند ۵، فصل ۱۹، *شایست ناشایست* (۱۳۶۹: ۲۳۸؛ و نیز نک. ۱۸۲-۱۸۳، ۱۹۰)، با فهرست کهن مان‌بد، ویس‌بد، زندبد، شهریار و زرتشتروتوم روبرو هستیم که اجازه صدور دستور پادفراه گناهکاران را دارند. این فهرست پژوهی تاریخی از جامعه ایرانیان عصر *اوستا* است و در روزگاران متأخر که شهرنشینی و جامعه مدنی جایگزین نظام پیشین عصر *اوستا* شد، به تدریج ارزش خود را از دست داد و فهرست‌های دیگر جای آن را گرفت. در این فهرست، چهار منصب غیرروحانی و یک منصب روحانی دیده می‌شود.

اصطلاح پهلوی *zartuštrōtom*، برآمده از صفت اوستایی *zaraθuštrō.təma-* است که در یشت ۱۰، بند ۱۱۵؛ یسن ۱۷، بند ۱۸ و نیز ویسپرد (Bartholomae, 1961: 1677) به عنوان یکی از اجزای این فهرست کهن یاد شده است. معنی آن: مرتبه‌ای از روحانیت است که در آن فرد بیشترین شباهت را به زردشت پیدا می‌کند، زردشت‌ترین فرد. این صفت عالی اوستایی با اندک تحریفی در ادبیات فارسی میانه حفظ شده است و همچنان بالاترین مقام و منصب جامعه زردشتی است.

در بند ۴۴، فصل ۱۳، *شایست ناشایست* (۱۳۶۹: ۱۹۰)، پنج یاور برای زرتشتروتوم ذکر شده است که عبارتند از مان‌بد، ویس‌بد، زندبد، دهیوبد یا شهریار و همسر زرتشتروتوم. همچنین، بنابر بند ۴۱، فصل ۱۳، *شایست ناشایست* (۱۳۶۹: ۱۸۹)، در وجود زرتشتروتوم نه چیز مهمان است و جای دارد: ۱- فرایند زرتشتروتومی ۲- خان‌ها یا چشمه‌ها ۳- سرچشمه‌ها ۴- آبها ۵- پل ۶- رود ناو رود قابل کشتیرانی ۷- مرد اهلو ۸- زن اهلو. احتمالاً متن دستخوش پریشانی و تغییر شده است و از این‌ها، یکی که همانا «ناو و کشتی» باید باشد، افتاده است. در این توصیف شاعرانه و شاید برآمده از اسطوره‌های کهن، وجود او که چونان زردشت می‌شود، به رودی بزرگ همانند است هم چشمه و هم سرچشمه و هم رود را در خویشتن دارد. او هم پل گذر از رود است و هم ابزار و ناو حرکت بر روی این رود بزرگ. زرتشتروتوم عین شریعت است و هم گذارنده و پل آن. زرتشتروتوم دو وجه دارد: پارسایی مردانه و زنانه، یعنی وجود او تجلی‌گاه وجود مرد و

زن پارسا است. چنان وجودش بزرگ و فراخ است که هردوی آنها گوهر وجود خویش را در آن پیدا می‌کنند. او نه یک انسان و یا مقام و منصب روحانی که عین زردشت و خود فرایند زردشت شدن است. بنابر بند ۶، فصل ۴، دینکرد پنجم (۱۳۸۶: ۳۹، و نیز ۱۲۳)، اسم معنی *zartuštrōtomīh*، به فرایندی دینی دلالت دارد که طی آن و در نتیجه اجرای آن، فره در نسل ایرانیان حفظ می‌شود. این همانا فرایند زردشت شدن و کمال آدمی است. چنان که زردشت رد آدمی و انسان کامل است (بندهش، ۱۳۶۹: ۸۹)، زرتشتروتوم تجلی انسان کامل و رد انسانی در عصر و زمانی است. بنابر دینکرد ۶، بند ۳۰۰ (۱۳۹۲: ۸۲، ۲۰۵)، اهریمن به هنگام زایش این مقام روحانی، می‌کوشد تا به اندیشه وی وارد شود و این کار را خود انجام می‌دهد و به هیچ دیو دیگر چنین امر مهمی را واگذار نمی‌کند. در *شایست ناشایست* آمده که اگر مرگ او در غربت اتفاق افتد، اهل موغی در دودمان او زاده شود (*شایست ناشایست*، ۱۳۶۹: ۱۱۱) و این اشاره‌ای روشن به لزوم حضور دائم وی در میان مردم و در رأس جامعه دینی است. چراکه این زبان گران تنها درباره او گفته شده است. مقام وی چنان ارزشمند است که به هم پای حقیقت زندگی قابل ستایش تشخیص داده شده است و گفته‌اند به هنگام قرائت یسن ۵۳، بند یکم را دوبار باید خواند: یک بار برای ستایش زندگی و یک بار برای زرتشتروتوم (همان: ۱۸۸).

در روزگار ساسانی در سطح عالی موبدان موبد و در سطح میانی هیربدان و مراتب و تشکیلات گسترده آنها، همپای تشکیلات سیاسی و مدنی فعالیت می‌کرد (نک. کریستن سن، ۱۳۸۲: ۸۲-۸۷). با فروپاشی این دودمان و برافتادن تشکیلات سیاسی اجتماعی، تشکیلات موبدی درحالی که خود دچار تغییر و پریشانی شده بود، بتدریج مرجع قدرت دینی و سیاسی جامعه زردشتی شد. اگرچه دهقانان بزرگ، اشراف دیوانی زردشتی که حتی در تشکیلات اسلامی ایفای نقش می‌کردند، بی‌گمان در مدیریت جامعه آنها را یاری می‌کردند؛ باز این پیشوایان دینی بودند که تصمیمات نهایی و کلی را می‌گرفتند و صاحب قدرت بودند. مقام سیاسی دینی *hu-dēnānpēšōbāy* که با شخصیت نخستین

و بزرگترین روحانی زردشتی در آغاز سده سوم<sup>۱</sup>، آذر فرنیغ فرخزادان، همراه و عجین گشته است و شاگردان و جانشین او در سده سوم و چهارم هجری/ یزدگردی نیز آن را حفظ کرده‌اند، نشان می‌دهد که پیشوایی جامعه به‌دینان مقامی سیاسی، دینی و اجتماعی بود.

در *روایت آذر فرنیغ فرخزادان* (۱۳۸۴: ۳) فهرست ردان، موبدان، دستوران و آن که در شهر به احکام دین آگاه‌تر، آمده است. همچنین، در بند ۸، مقدمه *دستان دینی* (۱۹۹۸: ۳۲) به فهرست مفصل‌تری از مقامات روحانی در تشکیلات دینی جامعه زردشتی اشاره شده است که عبارتند از: ردان، موبدان، دادوران، هیربدان، مغ مردان مانتره شمار زندسرای اهل جدل و دین آگاه.

مقامات این دو فهرست که بی‌گمان در زیر سایه و فرمان پیشوای به‌دینان فعالیت می‌کردند، تحولات و تغییرات تشکیلات جامعه زردشتی در دو مقطع پیش از اسلام و دوران اسلامی را نشان می‌دهند. در هر دو فهرست، ردان در صدر آمده‌اند. رد در متون پهلوی در دو معنی: قضایی در *مادیان هزارستان* (۱۳۹۱: ۱۰۷-۱۱۱) و مقام عالی‌رتبه و تام الاختیار یک منطقه یا ناحیه، چنان که در *دینکرد پنجم* (۱۳۸۶: ۴۰، و نیز قس. ۱۲۳) آمده، همواره یاد شده است. دستوران (نک. Shaki, 1994: 111-112) که اغلب به امور هیربدستانی و فکری اشتغال داشتند، به ویژه در دوره‌های متأخر، در رأس هرم قدرت قرار گرفتند و عنوان‌هایی چون دستوران دستور، دستور اعظم و دستور زمان به عنوان عالی‌ترین مرجع جامعه زردشتی فراوان در متون عصر روایات یاد شده است (نک. داراب، ۱۹۲۲: ۲/ ۴۴۵، ۴۵۷).

«موبد» عنوانی کلی برای روحانی زردشتی بود و در کنار دیگر عنوان کلی «هیربد»، برای مشاغل میانی سیاسی و عبادی و قضایی جامعه زردشتی بکار می‌رفت. هیربدان و در دوره‌های متأخر، هیربذادگان، اغلب امور عبادی، تطهیر، زایش، تشریف و مرگ را

---

۱. کریبروک معتقد است، این عنوان در برابر عنوان امیرالمومنین جامعه اسلامی رایج شد و جایگزین برای آن در جامعه زردشتی بود (1987a:160).

انجام می‌دادند و در دو گروه یزشنگران و یشتاران و یزدانگران فعالیت می‌کردند (نک. شایست ناشایست، ۱۳۶۹: ۱۶۱، ۱۷۲، ۱۳۳، ۱۱۲، ۱۵۹؛ روایت امید/شوهیشتان، ۱۳۷۶: ۵۳-۷۹؛ داراب، ۱۹۲۲: ۸/۲-۱۰).

### ۳- نتیجه‌گیری

بر اساس آنچه اشاره شد، در سده‌های آغازین اسلامی، روحانیان زردشتی با از دست دادن اقتدار روزگار ساسانی و نیز کاهش جمعیت بهدینان، ناچار به تعدیل در نهادها و تشکیلات دینی شدند، مراتب دین‌مردان هرچند، سه لایه قدیمی عالی، میانی و فرودست را در کلیت امر حفظ کرد، اما بسیاری از مفاهیم و مقامات و مراتب قدیم با شرایط پیش آمده تطبیق داده شد و متناسب‌سازی گردید. روایت کوتاه فرنیغ سروش، در پرسش دوم، داده‌های ارزشمندی در باره تشکیلات دینی و مناصب موبدان جامعه زردشتی بدست می‌دهد که تا حدود زیادی بازتاب دهنده وضعیت یادشده است: پیشوای بهدینان که در رأس جامعه است.

موبدی شهرها که با پسند و مشورت مردم هر شهر و به حکم پیشوای دینی گمارده می‌شد.

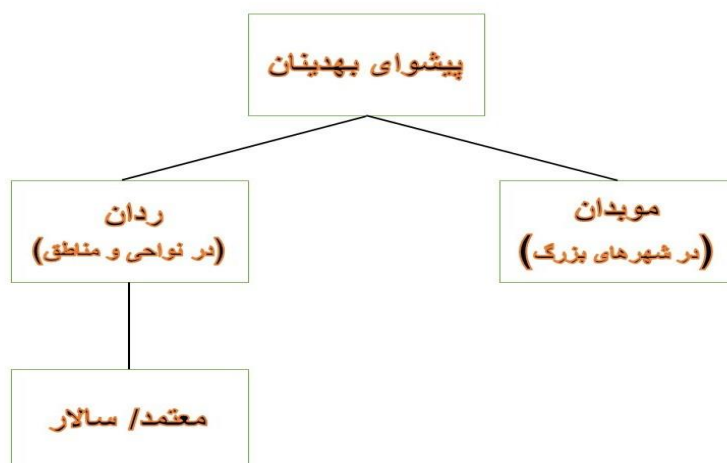
ردی یا ردموبدی نواحی که پیشوای دینی با پذیرش مردم حکم او را صادر می‌کرد. معتمد یا abestān که رد موبدان برای شهرهای کوچک و مناطق تحت فرمان خود می‌گماشتند. این واژه در مهرها و اثر مهرها دیده می‌شود ولی اغلب معنی معتمد ایزدان دارد<sup>۱</sup>.

سالار که در معنی گماشتگان ردها آمده و مترادف با معتمد بکار رفته است. همچنین سالار بار حقوقی دارد و در متون فقهی و حقوقی زردشتی سالار به عنوان سرپرست زنان و دختران یاد شده است<sup>۲</sup>. بنابر آنچه از مفاد پرسش دوم اشاره شد، می‌توان گفت که

۱ - برای توضیح بیشتر درباره این واژه نک. Gyselen, 2007: 403.

۲ - برای توضیح بیشتر درباره این واژه نک. روایت آذرفرنیغ فرخزادان ۱۳۸۴: ۳.

مناصب عمده جامعه دینی، به شرح نمودار زیر بوده است:



نکته دیگر این که بنابر همین پرسش و پاسخ آن، پس از مرگ پیشوای بهدینان، نهایت تا یک سال باید تمام مناصب تشکیلات دینی تغییر کند و یا پیشوای جدید آنها را از نو منصوب کند. به هر حال، بقای حکم پیشوای در گذشته جایز نیست.

### کتابنامه

- بندهش (۱۳۶۹). ترجمه مهرداد بهار. تهران: توس.
- بیرونی، ابوریحان (۱۳۶۳). آثارالباقیه، ترجمه اکبر دانا سرشت، تهران: امیرکبیر.
- دادستان دینی پاره دوم (۱۳۹۷)، ترجمه مهشید میرفخرایی. تهران: پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی.
- داراب (۱۹۲۲). روایات داراب هرمزدیار. چاپ اونوالا، بمبئی: بی.نا.
- دینکرد ششم (۱۳۹۲). آوانویسی و ترجمه مهشید میرفخرایی، تهران: پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی.
- روایت آذر فرنیغ فرخزادان (۱۳۸۴). ترجمه حسن رضایی باغ بیدی. تهران: مرکز دایره المعارف

بزرگ اسلامی.

روایت امید اشوهیشتان (۱۳۷۶). ترجمه نزهت صفای اصفهانی. تهران: نشر مرکز.  
شایست ناشایست (۱۳۶۹). ترجمه کتایون مزداپور. تهران: موسسه مطالعات و تحقیقات فرهنگی.

صد در نثر صد در بندهش (۱۹۰۹). به کوشش دابار. بمبئی: بی. نا.  
کتاب پنجم دینکرد (۱۳۸۶). آوانویسی، ترجمه و تعلیقات ژاله آموزگار و احمد تفضلی. تهران: معین.

کریستن سن، آرتور (۱۳۸۲). *ایران در زمان ساسانیان*. ترجمه رشید یاسمی. ویرایش حسن رضایی باغ بیدی. تهران: صدای معاصر.  
گزیده‌های زادسیرم (۱۳۶۶). ترجمه محمدتقی راشد محصل. تهران: موسسه مطالعات و تحقیقات فرهنگی.

مادیان هزاردادستان (۱۳۹۱). ترجمه سعید عریان. تهران: انتشارات علمی.  
متون پهلوی (۱۳۷۱). گردآورنده: جاماسب آسانا. گزارش سعید عریان. تهران: کتابخانه ملی.  
نامدار بن شهریار و رستم (۱۲۶۲ی). یشت و نیرنگ آب و برسم و قواعد دینی با یشت و سفرد و یشت و رفتون و یشت سی روزه. بمبئی: بی. نا.

Bartholomae, Ch. (1961). *Altiranisches Wörterbuch*. Berlin.

Chaumont M. L. (1960). "Recherches sur le clergé zoroastrien: le hērbad (premier article)". In: *Revue de l'histoire des religions*. tome 158. n°1. pp: 55-80.

*Dādestānī Dēnīg* (1998). part 1, ed. M. Jaafari-Dehaghi. Paris.

Gignoux, Ph. (1983). "Die religiöse Administration in sasanidischer Zeit" in: *Ein Überblick*, in H. Koch, D' N' MacKenzie (ed.), *Kunst, Kultur und Geschichte der Achämenidenzeit und ihr Fortleben* (AMI, Erg'-Bd 10, Berlin), pp. 253-266.

Gyselen, R. (2007). *Sasanian Seals and sealings in the A. Saeedi Collection*, *Acta Iranica 44*. Belgium.

Kreyenbroek, ph. G. (1987b). "The Dādestānī Dēnīg on Priests". *Indo-Iranian Journal*. 30, pp. 185-208.

Kreyenbroek, ph. G. (2003). "Hērbed". *Iranica*. vol. XII. pp. 226-227.



Kreyenbroek, ph. G (1987a)." The Zoroastrian Priesthood after the fall of the Sasanian Empire". in: Philippe Gignoux ed. Transition periods in Iranian history. Actes du symposium de Fribourg-en-Brigau. Louvain, pp.151-166.

*The Pahlavi Rivāyat of Āthur Farnbag and Farnbag Srōš*. 2vol. (1969). ed. B. T. Anklesaria, Bombay.

Shaki, M. (1993). "Dādwar". *Iranica*. vol. vi, pp. 557-559.

Shaki, M. (1994). "Dastūr". *Iranica*. vol vii, pp. 111-112.

**Organization and ranks of Zoroastrian priesthoods in the tradition of Islamic Times Based on the second question of *Faranbax Sorosh's Revayat***

Hamidreza Dalvand\*

**Abstract**

With the collapse of the Sasanid kingdom, Zoroastrian religion, like other parts of the society, underwent profound changes. The religious population decreased and the Zoroastrian community became smaller. The institution of religion was weakened and religious organizations broke up. Corresponding to these changes, the organization of the clergy changed, and religious officials and ranks created a more agile organization by integrating their duties. Although the new religious organization preserved the organization structure of the Sasanid era and kept the old concepts and terms alive, it underwent significant changes. Until the 4th century of Yazdgerdi/11th AD, this period of transition was gradually passed. The short report given in the second question of Faranbax Sorosh's Revayat shows the management of the religious organizations of the Zoroastrian society of Iran, and the upcoming article will explain and interpret that question.

**Keywords:** Zoroastrian tradition; religious organizations; Mobed's Ranking.

---

\* Assistant Professor, Department of Culture and Ancient Languages, Institute for Humanities and Cultural Studies (IHCS), Tehran-Iran. E-mail: zurvandad@yahoo.de